



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



عاشورای حسینی

تقابل اسلام علوی
و سیاست جاهلی

رضارسیمی زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورای حسینی تقابل اسلام علوی و سیاست جاهلی

نویسنده:

رضا رستمی زاده

ناشر چاپی:

فصلنامه دانشگاه اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	عاشورای حسینی تقابل اسلام علوی و سیاست جاهلی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	عوامل مهم رخداد عاشورا
۷	وابستگی عمیق مردم به عصر تاریک جاهلیت
۷	ایمان سطحی اکثر مردم زمان رسول خدا
۸	احیا و تداوم منازعات درون قبیله‌ای
۸	ماجرای سقیفه بنی ساعده
۹	سیاست مالی خلفای نخستین
۱۰	ممانعت از تدوین حدیث و نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام
۱۰	ادامه روند تغییر ارزش‌ها تا اسلام وارونه
۱۱	تصویری از کارهای معاویه
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عاشورای حسینی تقابل اسلام علوی و سیاست جاهلی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۲-۴۷۶۴

سرشناسه : رستمی‌زاده، رضا

عنوان و نام پدیدآور : عاشورای حسینی تقابل اسلام علوی و سیاست جاهلی / رستمی‌زاده، رضا

منشأ مقاله : ، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، ش ۱۶، (زمستان ۱۳۸۱): ص ۶۳ - ۸۰.

توصیفگر : قیام عاشورا

توصیفگر : جامعه

توصیفگر : دوران جاهلیت

توصیفگر : اسلام

توصیفگر : اهل بیت (ع)

توصیفگر : امویان

توصیفگر : معاویه بن ابی سفیان، خلیفه اموی

توصیفگر : محمد (ص)، پیامبر اسلام

مقدمه

جوامع بشری همواره شاهد دگرگونی‌های صعودی و یا قهقرایی بوده و هستند. اگر گروهی بخواهند جامعه‌ای را به دلخواه عوض کنند، نقطه شروع آن نفوذ در فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و اندیشه‌های فرهنگی آن جامعه است. لذا اعتقادات، آداب، رسوم و اندیشه‌هایی که باعث تشکیل یک جامعه می‌شوند از عناصر فرهنگ یک جامعه به حساب می‌آیند. قدرت‌مداران نیز برای در دست گرفتن سرنوشت جامعه، ابتدا به سراغ این ارزش‌ها رفته و سعی در سوق دادن آنها به سوی اهداف خود، می‌کنند. پس آنچه در این تغییر و تحولات می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد سمت و سوی آن تغییرات است. بی‌تردید جامعه نبوی باعث تغییرات همه جانبه‌ای در زمان خود شد. همان جامعه‌ای که با عنایت خداوند متعال و رحمت حضرت محمد (ص) و غیرت علوی و یاری مهاجر و انصار بر پایه ارزش‌های والا و معنوی شکل گرفت و حزب اموی که مهم‌ترین تشکیلات آن زمان به سرپرستی ابوسفیان بود در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده اسلام به زانو درآمد. اما دیری نپایید که همین جامعه پس از رحلت بنیان‌گذارش سیر نزولی و سقوط را طی کرد و بار دیگر ارزش‌های عصر جاهلیت احیا شد، و جایگزین ارزش‌های قرآنی شد و بنی امیه با نفوذ در دستگاه رهبری جامعه اسلامی زمینه را برای ایجاد یک جنبش ارتجاعی و سوق دادن مردم به دوران قبل از اسلام کاملاً فراهم کرد تا آن حد که جامعه اسلامی در سال شصت و یک هجری قمری یعنی پنجاه سال پس از رحلت رسول اکرم (ص)، شاهد رخدادی غریب و بسیار اسفناک بود و در آن نوه پیامبر (ص) به طرز دردناکی به همراه یاران اندک خود به شهادت رسید و بر خاندان پاکش اسارت تحمیل شد. حادثه خونین کربلا- نموداری روشن از مبارزه دو مکتب فکری و عقیدتی است که یک طرف آن امام حسین (ع) به عنوان پرچمدار تمام پیامبران، اولیا خدا و بندگان صالح خدا و طرف دیگر حزب اموی و دار و دسته مدافع ارزش‌های جاهلیت است. در این پژوهش به بررسی ساز و کارهای این تغییر اساسی در جامعه نبوی تا سال شصت و یک هجری قمری پرداخته شده است تا معلوم شود که چه علل و عواملی در حادثه مهم عاشورا نقش اساسی داشته‌اند.

عوامل مهم رخداد عاشورا

وابستگی عمیق مردم به عصر تاریک جاهلیت

بی تردید بخشی از علل و عوامل رخداد عاشورا را باید در وابستگی عمیق مردم آن زمان به عصر جاهلیت جست و جو کرد. در این که عصر جاهلیت چگونه دوره‌ای بوده، کتاب‌های زیادی نوشته شده است و به هر تقدیر اطلاق واژه جاهلیت برای دوره دو بیست ساله قبل از بعثت در شبه جزیره عربستان گویای واقعیت‌های غیر قابل انکاری است. کلام حضرت علی (ع) به بهترین وجه جامعه عرب آن زمان را توصیف می‌کند: «آن هنگام شما ای مردم عرب در بدترین سرای خزیده، منزل گاهتان سنگستان‌های ناهموار، هم‌نشینان گرزه‌هایی زهردار، آبتان تیره و ناگوار و خوراکتان گلوآزار بود. خون یک‌دیگر را ریخته، از خویشان بریده، بت‌هایتان همه جا برپا و از سر تا پا آلوده به خطا بودید...» شاخصه‌های فرهنگی عرب جاهلی در شعر و شاعری و دانش انتساب و ایام، خلاصه می‌شد. روی کرد این قوم به این موارد برای ارضای تمایلات فخرطلبانه فردی و قبیله‌ای بود، نه به عنوان علمی از علوم: «آنها از علم و فلسفه بهره نداشتند، زیرا زندگانی اجتماعی آنها در خور علم و فلسفه نبود. علم در میان آنها منحصر به معرفت انتساب یا شناختن اوضاع جوی - جهت پیدا کردن آب - بود. بنابر بعضی از اخبار هم اطلاع اندکی از علم طب داشتند. اما آنچه را می‌دانستند ارزش آن را نداشت که «علم» به حساب آید و عنوان «عالم» بر آنان خطاست.» از طرف دیگر در جامعه عرب جاهلی تمام ارکان شخصیت و مظاهر فکری و عقلی در واحدی به نام «قبیله» خلاصه می‌شد. «قبیله» تعیین کننده نوع و چگونگی روابط اجتماعی افراد در درون و برون خانواده بود. به طور کلی در نظام ارزشی دوره جاهلیت «نسب قبیله‌ای» و «ثروت» تعیین کننده پایگاه اجتماعی افراد بود. آن که از نسب بالاتر و ثروت بیشتری برخوردار بود جزو اشراف قرار می‌گرفت و در تمامی تصمیم‌گیری‌های قبیله‌ای و امور مختلف اجتماعی تأثیرگذار و صاحب نظر بود. با ظهور دین اسلام، حضرت محمد (ص) سعی در تغییر این نظام ارزشی نمود. تلاش بی‌وقفه بیست و سه ساله آن حضرت (ص) در تثبیت ملاک تقوا و پرهیزکاری برای جامعه و افراد آن بود. اما مسلم است که این دوره برای ریشه کن کردن یک فرهنگ جاهلی پرسابقه، دوره بسیار کمی به حساب می‌آید. لذا بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) جامعه آرام آرام به سوی تفکرات جاهلی بازگشت تا آنجا که در سال شصت و یک هجری قمری مشاهده می‌کنیم که شالوده فکری دشمنان امام حسین (ع)، قبیله و منافع قبیله‌ای بود و آنان همه چیز را فقط در چهارچوبه عصیت قبیله‌ای خلاصه کرده بودند و بس.

ایمان سطحی اکثر مردم زمان رسول خدا

فتح مکه توسط سپاه اسلام در سال هشتم هجری، بزرگ‌ترین پایگاه دشمنان اسلام، به ویژه حزب بنی امیه را فروریخت و با تصرف آن و تسلیم رؤسای قریش - همچون ابوسفیان - اسلام به عنوان حاکمیت بلامنازع جزیره العرب به رسمیت شناخته شد. قبایل دیگری که تا آن زمان اسلام نیاورده بودند، گروه گروه با فرستادن نمایندگان خود به مدینه، در پیشگاه پیامبر اسلام (ص) مسلمانی خود را اعلان کردند تا از این طریق بتوانند هم چنان به حیات قبیله‌ای خود ادامه دهند. در نتیجه سال نهم هجری با عنوان «عام الوفود» در تاریخ اسلام شناخته شد و بخش بزرگی از قبایل جزیره العرب در این سال به جرگه اسلام پیوستند. بی تردید اسلام آوردن این قبایل، نه از روی ایمان قلبی بلکه از روی ترس و مصلحت زمانه بود. اینان که به طور تقریبی بیش از نیمی از قبایل شبه جزیره را شامل می‌شدند هرچند که به ظاهر اعلان مسلمانی کردند، ولی مبانی و مبادی اسلام را درک نکرده و در قلب و درون خویش به آن مؤمن نشده بودند. قرآن کریم به این مسئله چنین اشاره می‌کند: «اعراب - که بر تو منت نهاده - گفتند ما ایمان آوردیم به آنها

بگو شما ایمان نیاورده ولیکن بگویید ما اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است...» در ادامه آیات همین سوره می‌فرماید: «... آنها بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند بگو شما به اسلام خود بر من منت مگذارید، بلکه این خداست که بر شما منت می‌نهد...». مؤید این مطلب درخواست‌هایی بود که نمایندگان قبایل تازه مسلمان از پیامبر (ص) در قبال پذیرش اسلام داشتند؛ همانند: نگهداشتن بت قبیله یا به دست گرفتن رهبری و زمام مسلمانان پس از پیامبر (ص) و یا ادامه رباخواری و... که همه اینها نشان دهنده آن است که مفاهیم عمیق اسلامی در ذهن و دل اعراب رسوخ نکرده و آنها را از درون، متحول نکرده بود. بدیهی است که این نوع ایمان می‌تواند به راحتی متزلزل شود و به همان روش غلط پیشین برگردد و ایستادن در مقابل امام حسین (ع) در روز عاشورا این موضوع را به طور واضح به نمایش گذاشت و کوفیان زیر دست آزار و زبردست نواز در پیمان‌های خود با امام حسین (ع) متزلزل شده و به همان روش غلط پیشین خود برگشتند.

احیا و تداوم منازعات درون قبیله‌ای

عامل دیگری که به عنوان میراث شوم عصر جاهلیت به دوره اسلامی منتقل شد، منازعات درون قبیله‌ای تیره‌های قریش بود که مسلماً بر جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه دینی؛ حتی پس از رحلت پیامبر (ص) بسیار تأثیر گذاشت. ریشه این گونه منازعات به زمانی برمی‌گردد که در گذشته‌ای نه چندان دور با مرگ عبد مناف - جدّ سوم حضرت محمد (ص) - قبیله قریش به دو شاخه مهم بنی هاشم و بنی عبد شمس تقسیم می‌شود که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی رقابت فشرده‌ای را با هم شروع می‌کنند و در زمان هاشم - پدر عبدالمطلب - تیره او در دو زمینه نسبت به تیره عبد شمس برتری قابل توجهی پیدا می‌کند: الف: ابتکار راه‌اندازی سفرهای تجارتي زمستانی و تابستانی از مکه به یثرب و شام و به عکس ب: کرامت نفس و بخشش‌های زیاد در میان مردم. این دو مورد هرچند که منشأ تحولات مهمی می‌شود و مکه را در عرصه اقتصاد، تجارت و عظمت، یک سر و گردن از همه اقوام هم جوار بالا می‌برد، ولی حسادت رقبا هاشم را به دنبال داشت. در این میان امیه فرزند عبد شمس و سرسلسله طایفه بنی‌امیه - بیش از هر کس حسادت خود را آشکار می‌ساخت و نسبت به عمویش هاشم کینه ورزی‌های عجیبی پیدا کرد. در طول زمان، تیره بنی‌امیه بر اقتدار اقتصادی خود افزود. ولی بنی هاشم با مرگ هاشم - رئیس خود - از نظر اقتصادی در سرایشی افول و نزول قرار گرفت و نتوانست با بنی‌امیه رقابت اقتصادی داشته باشد و فقط به خوش‌نامی خود می‌بالید و این باعث شد که بنی‌امیه با حفظ مقام قیادت و نفوذ فوق‌العاده در اجتماعات مهم مکه؛ به ویژه در دارالندوه - مجلس شورای عرب - منزلت اجتماعی روزافزونی در مکه پیدا کند. رقابت این دو تیره سرشناس قریش با بعثت پیامبر (ص) که خود نیز از تیره بنی‌هاشم بود نه تنها به پایان نرسید، بلکه با ظهور آن حضرت (ص) و ارائه دین اسلام این نزاع شعله‌ورتر می‌شود و بنی‌امیه ادعای نبوت حضرت محمد (ص) را در راستای رقابت تیره‌ای تفسیر می‌کردند و طبیعی است که با آن مخالفت کنند و در پی خنثی کردن آن برآیند. نه تنها ابوسفیان - رئیس تیره بنی‌امیه در زمان بعثت پیامبر (ص) - این نگرش را داشت، بلکه یزید بن معاویه (نوه او) نیز در سال شصت و یک هجری قمری در این محدوده فکری سیر می‌کرد و وقتی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را در شام می‌بیند ضمن اهانت به سر مطهر امام حسین (ع) شعری را بر زبان می‌راند که ترجمه آن این نیست: «قبیله بنی‌هاشم با سلطنت بازی کردند، پس نه خبری آمد و نه وحی نازل شد.»

ماجرای سقیفه بنی ساعده

از دیدگاه جامعه‌شناسان، نقش کارگزاران در تغییرات اجتماعی و فرهنگی، نقشی برجسته و قابل ملاحظه است، زیرا تصمیم‌گیری‌های آنان سرنوشت جوامع را مشخص می‌کند. بر این اساس ماجرای «سقیفه» را نه فقط باید به عنوان مهم‌ترین علت و

اصلی‌ترین عامل رخداد عاشورا دانست، بلکه می‌توان آن را به عنوان شالوده تغییر ارزش‌ها تا قیام حضرت مهدی (عج) قلمداد کرد. جریانی که گروه کثیری از پیروان دین اسلام را به سوی بازگشت دوباره به تفکرات و سنت‌های قبیله‌ای پیش از بعثت کشاند و شیوه انتخاب جانشین پیامبر (ص) را دقیقاً طبق معیارها و سنن قبیله‌ای مشروعیت بخشید و دگرگونی جامعه نبوی و علوی را تا آنجا درنوردید که پس از پنجاه سال، مردمی که خود را امت حضرت محمد (ص) می‌دانستند در سرزمین کربلا - جنایتی مرتکب شدند که اهل زمین و آسمان در عزای مصیبتش تا قیامت گریه می‌کنند. مهیار دیلمی - مرثیه سرای اهل بیت (ع) - بسیار زیبا می‌گوید: «ای فرزند مصطفی این سقیفه بود که راه کربلایت را هموار کرد و آن گاه که حق‌پدرت علی (ع) و مادرت فاطمه (س) را غصب کردند کشته شدند خوب جلوه کرد.» آری مسلمانان با فراموش کردن سفارش‌های اکید پیامبر (ص) در مورد حضرت علی (ع) و جریان غدیر خم، پس از رحلت پیامبر گرامی (ص) به جای حضور در خانه امام معصوم و دست دادن با او که منصوب خدا و رسولش (ص) بود، در سقیفه بنی ساعده گردهم آمدند و حاکمیت جامعه نبوی را به پشتوانه صوری رأی مردم به دست ابوبکر سپردند. گویی اینان خوب می‌دانستند که تغییر ارزش‌های نبوی بدون تسلط اجتماعی و به دست گرفتن حاکمیت امکان پذیر نیست. در آنجا بود که عنان حکومت به دست افراد نالایق افتاد و آنان با بهره‌گیری از این ساز و کار بر جامعه مسلط شدند و هر آنچه توانستند کردند، به نحوی که در جامعه‌ای که در آن آب و وضوی پیامبر بزرگوار (ص) سرمه چشم مردم بود، پس از مدتی کشتن فرزند محبوب و دل‌بندش را نه تنها مذموم ندانستند که حتی پس از کشته شدن آن مظلوم کربلا به رقص و پایکوبی پرداختند و این چنین کمر به نابودی ارزش‌های اسلام نبوی بستند. در ماجرای سقیفه ضعف و تزلزل و عقب‌نشینی انصار از یک طرف و تفسیر زیرکانه مهاجرین از جانشین پیامبر (ص) از طرف دیگر توانست رقبای جدی خود را از صحنه خارج کند. اصحاب سقیفه با نادیده گرفتن فضایل و برتری‌های بی‌مانند حضرت علی (ع) و سوابق درخشان بنی هاشم در پیش‌برد اسلام، خلافت را از مسیر خود منحرف کردند. اینان خوب می‌دانستند که اگر ارزش‌های الهی و فرهنگ والای پیامبر اسلام (ص) به رهبری و سرداری اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در جامعه نوپای اسلام جاری و پایدار شود دیگر جایی برای آنان نخواهد بود. پس با شعار دادن «حسبنا کتاب‌الله» تنها راه چاره را در انحراف جامعه و دوری آنان از عترت پیامبر (ص) دیدند.

سیاست مالی خلفای نخستین

عامل مهم دیگر در زمینه سازی قیام عاشورا سیاست مالی خلفای نخستین و شیوه برخورد آنها با بیت المال مسلمین بود که بعد از رحلت پیامبر (ص) در جامعه اسلامی به مرور شکل گرفت. پیامبر گرامی (ص) در اداره امور مالی جامعه اسلامی به دو مسئله حساسیت ویژه‌ای داشت: ۱- در تقسیم بیت المال مساوات و برابری را به طور کامل رعایت می‌کرد و بین نومسلمانان و سابقه‌داران در اسلام فرقی قایل نمی‌شد. ۲- به هیچ وجه ثروتی را در خزانه ذخیره نمی‌کرد، بلکه به محض رسیدن مال، آن را بین مسلمانان تقسیم می‌نمود. اما بعد از پیامبر (ص) با توجه به فتوحات مهمی که صورت گرفت غنائم فراوانی به مدینه منتقل شد و عملاً تقسیم همه اموال در بین مسلمانان بدون ذخیره کردن بخشی از آن در خزانه بیت المال معقول به نظر نمی‌رسید و توزیع همه غنائم به یک بار بین مسلمانان خطرناک و مضر می‌نمود. ولی اشتباه بزرگ خلفای نخستین؛ به ویژه عمر بن خطاب در تقسیم ناعادلانه بیت المال میان مسلمانان بود. بدین صورت که بین عرب و عجم، زن و مرد، آزاد و غلام، سابقون و نومسلمانان تمایز قایل شده و براساس سابقه و نسب، حکم به تقسیم اموال می‌کردند. نتیجه این سیاست مالی غلط از سوی ابوبکر و عمر ایجاد شکاف طبقاتی عمیق بین مسلمانان شد و با روی کار آمدن خلیفه سوم و سیاست مالی اتخاذ شده از طرف او، عمق فاجعه مشخص شد. عثمان علاوه بر تقسیم نامساوی اموال شروع به بذل و بخشش‌های بی‌حد و حصر به خویشاوندان و بستگان خود - که عمدتاً از تیره امویان قریش و طرد شده تبعیدی پیامبر (ص) به حساب می‌آمدند - نمود و خودش هم زندگی اشرافی مجللی را در پیش گرفت و نتیجه مستقیم چنین

حکومت اشرافی قدرت یافتن تیره اموی بود که تمامی ارکان دستگاه خلافت را در طول حاکمیت عثمان به زیر سیطره نفوذ خود درآوردند. از طرف دیگر سرمایه‌های انباشته شده و بی‌مصرف صحابی بزرگ - که در دوران ابوبکر و عمر به دست آمده بود - با لغو ممنوعیت خروج از مدینه توسط عثمان، برای تجارت و استملاک اراضی در سراسر بلاد اسلامی به کار گرفته شد و وقتی که حضرت علی (ع) خلافت مسلمین را به اصرار مردم پذیرفت، چون بر تقسیم عادلانه اموال مبتنی بر مشی عقیدتی پیامبر اسلام (ص) تأکید ورزید. همین صحابه - که در گرداب تجملات دنیوی فرو رفته بودند - حاضر شدند در جنگ جمل رو در روی امام متقین (ع) صف آرایی کرده و «عقیده» را فدای «غنیمت» کنند. در تداوم همان سیاست مالی خلفای سه گانه، معاویه املاک خالصی را برای خاندان حکومتی خود اختصاص داد و به سازمان خراج و تخصیص درآمد حاصله از آن فقط برای خلیفه تمرکز بخشید که از این طریق بیشترین سود عاید دستگاه معاویه و خاندان اموی شد. بعد از معاویه، یزید میراث خوار چنین نظام سلطنتی شد که اساس آن مبتنی بر مال اندوزی بود و این بدترین عامل مقابله با فرهنگ امام حسین (ع) - که در فکر و عمل خالصانه دنباله‌رو مشی حضرت محمد (ص) و علی (ع) بود - به حساب می‌آید و یزید امام حسین (ع) را مانع بزرگی در ادامه سیاست مالی خود و بنی امیه می‌بیند و به همین خاطر به مبارزه علیه او می‌پردازد.

ممانعت از تدوین حدیث و نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام

کنار گذاشتن امام علی (ع) و خانه نشین شدن او ضربه جبران ناپذیری بر پیکر جامعه نوپیدا نبوی بود و آن گاه که دستور منع نشر و کتابت کلام نبوی داده شد، این ضربه دو چندان گردید، زیرا مردم تازه مسلمان شدیداً نیاز به تفسیر و تبیین معارف الهی داشتند؛ به خصوص مناطقی که پس از رحلت رسول خدا (ص) در قلمرو حکومت اسلام قرار گرفتند، از درک درست مفاهیم اسلام محروم ماندند. خلیفه دوم دستور جلوگیری از جمع آوری و تدوین احادیث و اخبار پیامبر (ص) را صادر کرد و صحابه را از نوشتن هر گونه احادیث پیامبر (ص) مطلقاً بر حذر داشت. علاوه بر آن بزرگان را در مدینه نگاه داشت تا احادیث آن حضرت (ص) را در اطراف منتشر نسازند و همه احادیثی را که نوشته بودند جمع آوری کرده و دستور سوزاندن آنها را صادر کرد. این ممانعت عمر زمینه تفسیر به رأی قرآن و اجتهادات بی‌اساس گشت و ارزش‌های ناب جای خود را به کجی‌ها و انحرافات و تمایلات دنیاگرایان راحت طلب داد و پی آمدهای منفی و ناهنجاری‌های اجتماعی و انحرافات رفتاری زیادی را به دنبال داشت. معاویه نیز در ادامه سیاستی که عمر در زمان خود بنیان گذاشته بود با شدت و حدت بیشتر و قوی‌تر دستور به منع نشر احادیث اهل بیت (ع) داد. او با این شیوه تلاش می‌کرد مردم را از خاندان وحی دور ساخته و دستشان را از ارزش‌های اصیل الهی کوتاه کند تا بتواند ارزش‌های دوران جاهلیت را جای‌گزین آن کند و از قتل کسانی که در مقابل دستورالعملش مقاومت می‌کردند و به علی (ع) دشنام نمی‌دادند و یا از شیعیان علی (ع) به حساب می‌آمدند دریغ نمی‌کرد. امام حسین (ع) در پاسخ به نامه معاویه می‌نویسد: «آیا تو قاتل آن مرد حضرمی نیستی که زیاد بن ابیه به تو نوشت: او بر آیین علی (ع) است. و تو در پاسخش نوشتی: هر کس را که بر آیین علی (ع) است بکش و زیاد نیز او و امثال او را کشت و همه آنها را به دستور تو مثله کرد؟ آیا تو قاتل حجر بن عدی کنندی و یاران نمازگزار و عابدانی که منکر ظلم بوده و بدعت‌های تو را گناهی بزرگ شمرده و امر به معروف و نهی از منکر نموده‌اند و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای باکی نداشتند نیستی که آنها را از روی ستم و دشمنی کشتی» بنابراین همین مسئله عامل شومی برای رخدادهای عاشورای شصت و یک هجری قمری شد.

ادامه روند تغییر ارزش‌ها تا اسلام وارونه

در جامعه نبوی نقش پیامبر (ص) - به عنوان برگزیده معصوم خداوند متعال - آشنا ساختن مردم با ارزش‌های الهی بود. با رحلت

پیامبر (ص) به علت ممانعت حکام وقت از ترویج احادیث نبوی و خانه نشین کردن اهل بیت آن حضرت (ص)، مسلمانان دچار مشکل شدند و برای شناخت ارزش‌ها و آموزش دین و شرع مقدس اسلام نزد افرادی هم‌چون: ابوهریره، عکرمه و ابن هیثم رفته و آنها را مرجع خود قرار دادند به حدی که انصار و مهاجر از وضع موجود شکوه کردند. با خاتمه یافتن حاکمیت بیست و پنج ساله اصحاب سقیفه و به خلافت رسیدن علی (ع) انتظار می‌رفت که جامعه اسلامی ارزش‌های نبوی فراموش شده‌اش را بازیابد. امیرالمؤمنین علی (ع) نیز پس از روی کار آمدن، به تغییراتی که پدید آمده بود اشاره کرده و با حسرت از گذشته و دوران رسول خدا (ص) یاد می‌کند و می‌فرماید: «ای بندگان خدا! در زمانی واقع شده‌اید که خیر و نیکویی به آن پشت کرده و شر و بدی به آن روی آورده است و شیطان هر روز بیش از پیش در کار گمراهی مردم طمع می‌ورزد. به هر سو که می‌خواهید بنگرید، آیا جز فقری که با فقر، دست و پنجه نرم می‌کند یا ثروت‌مندی که نعمت خدا را به کفران تبدیل کرده یا بخیلی که با بخل ورزیدن در ادای حقوق الهی ثروت انباشته و یا متمردی که گویا گوشش از شنیدن پند و اندرزها کراست، شخص دیگری می‌بینید؟ کجایند خوبان شما، آن انسان‌های وارسته و پرهیزکاری که در کار و کسبشان از حرام پرهیز می‌کردند و در رفتار و عقیده‌شان پاکی می‌ورزیدند؟ شما در میان جمعی از مردم پست و دون صفت ماندید که به دلیل خفت و بی‌ارزشی آنها، لب‌ها جز به مذمت آنها حرکت نمی‌کند - پس باید فاتحه اسلام را خواند - (زیرا) مفساد آشکار شده، نه انکار کننده و تغییر دهنده‌ای پیدا می‌شود و نه بازدارنده‌ای به چشم می‌خورد. آیا با این وضع می‌خواهید در دار قدس خدا و رحمتش قرار گیرید و از عزیزترین اولیایش باشید؟ هیئات...» امیّا تلاش امام علی (ع) در این زمینه از همان قدم نخست با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد، چرا که آن حضرت (ع) حرکت اصلاحی خود را بر دو محور: عدالت اقتصادی در امر بیت المال و لیاقت در واگذاری امارت و ولایت استوار داشت که در محور اول عدالت علوی موجب رنجش زراندوزان و دنیاگرایانی هم‌چون: طلحه و زبیر شد که جنگ جمل را راه انداختند و در محور دوم حرکت امام (ع) باعث نارضایی امرای ناصالحی هم‌چون: معاویه و حامیان او گردید که توسط عثمان به امارت رسیده بودند. اینان جنگ صفین را به راه انداختند. حضرت علی (ع) درباره این گروه فرمود: «رهبر این گروه (معاویه) از ملت اسلام خارج و بر پایه ضلالت و گمراهی ایستاده است.» پس از جنگ صفین بود که همین حزب اموی با ایجاد شکاف و تفرقه میان لشکر امام (ع) باعث جدا شدن عده کثیری از اطراف امام علی (ع) شده و جنگ نهروان به راه افتاد. این گونه امواج به قدری شدید بود که پاک مردی هم‌چون حضرت علی (ع) را در تمام دوران خلافتش به خود مشغول ساخت و در نتیجه فرصت را از او گرفتند و بالاخره تحملش را نداشته و شهیدش کردند. با شهادت حضرت علی (ع) معاویه زمام امور مسلمانان را به دست گرفت و با خانه‌نشین کردن امام حسن (ع) خود را بی‌رقیب دید و در راه دگرگونی ارزش‌های اسلامی سعی فراوان نمود و جامعه را به عصر جاهلیت برگرداند و اسلام را به طور کامل وارونه جلوه نمود. امام حسین (ع) در این باره می‌فرماید: «جداً اوضاع زمان دگرگون شده، زشتی‌ها آشکار و نیکی‌ها و فضیلت‌ها از محیط ما رخت بر بسته و از فضایل انسانی چیزی باقی نمانده است. مردم در زندگی ننگین و ذلت باری به سر می‌برند، نه به حق عمل می‌کنند و نه از باطل دوری می‌نمایند، آگاه باشید این بنی امیه پیروی از شیطان را بر خود لازم دانسته و اطاعت الهی را ترک نموده‌اند و فساد را آشکار و حدود الهی را تعطیل نموده‌اند.» مسلماً در ادامه این روند وجود افرادی هم‌چون امام حسین (ع) - که مصرّ بر حفظ ارزش‌های الهی و نبوی و مقتید به عمل به آنهاست - مانع بزرگ به حساب می‌آید و باید از میان برداشته شود و این چنین حادثه عاشورا رقم می‌خورد.

تصویری از کارهای معاویه

علاوه بر مواردی که تا به حال از آن یاد شد به طور کلی مهم‌ترین حرکت‌ها و فعالیت‌های انحرافی‌ای که در وقوع سانحه عظیم عاشورای حسینی بسیار مؤثر بوده است و از طرف معاویه و هم‌فکرانش در تاریخ صدر اسلام صورت گرفت به این قرار است: الف -

جعل حدیث در فضایل معاویه و تیره اموی قریش و مذمت بنی هاشم؛ به ویژه علی (ع) جهت مخدوش کردن چهره شایسته امام علی (ع) و خاندان پاک او: «معاویه در این راه تلاش می‌کرد تا از منزلت والای پیامبر (ص) بکاهد. لذا به مزدوران و جاعلان خود دستور داد که احادیثی (حتی) در وهن شخصیت نبوی جعل کنند.» ب- احیای تعصبات قومی و قبیله‌ای و نابودی برتری قانون. معاویه برای اجرای سیاست عرب‌گرایی خود در بخش‌نامه‌ای به زیاد بن ابیه (حاکم بصره و کوفه) دستور می‌دهد: «عطایا و سهمیه موالی و عجم را از بیت المال کم کند و در جنگ‌ها عجم را سپر اعراب سازد، آنان را به هموار ساختن راه‌ها و کندن درختان وادارد و هیچ یک از عجم را مناصب دولتی نداده و اجازه ندهد که آنان با دختران عرب ازدواج کنند و از عرب ارث ببرند و تا آن‌جا می‌تواند از عجم دوری‌گزیند و آنان را تحقیر کند...» ج- احیای جریان‌های اعتقادی انحرافی و ترویج قرائت‌های دیگری از دین در برابر کنار گذاشتن خاندان وحی و تعطیل کردن حدود الهی، از جمله ترویج تفکرات گروه «مرجئه». به عقیده این فرقه تنها کافی است که انسان قلباً به اسلام اعتراف کند و با وجود این نوع ایمان هیچ گناهی ضرر ندارد. با رواج این تفکر معاویه موفق به مشروعیت بخشیدن به تمام اعمال و گفتار دستگاه حکومتی خود شد. بر این مبنا خلیفه مسلمانان هر کاری انجام دهد درست و شایسته است و هر کس با آنان به مخالفت برخیزد - هر که می‌خواهد باشد - بر خطاست و ریختن خون او منعی ندارد. لذا آن چیزی که باعث شد جامعه اسلامی رخداد دل‌خراش و آسف بار عاشورا را بپذیرد و اعتراض نکند رسوخ همین‌باور هم بود. امام حسین (ع) حتی اگر عزیز و دل‌بند پیامبر اسلام (ص) هم باشد چون به اذن خلیفه کشته شده است مورد تأیید است. د- دگرگونی در روش تعیین خلیفه و تبدیل خلافت به سلطنت. بدترین کاری که معاویه در زمینه محو فرهنگ علوی و نبوی انجام داد تغییر اساسی در نظام خلافت بود. معاویه خود اعتراف کرد که حکومت را در عین نارضایتی مردم و به زور شمشیر به دست آورد و آن‌گاه که به دستش آورد اقدام به موروثی کردن آن در طایفه خود نمود. در این راستا با تهدید و تطمیع از امراء و کارگزاران خود برای یزید بیعت گرفت؛ اگرچه بی‌لیاقتی و عدم صلاحیت یزید برای همگان؛ حتی خود معاویه محرز بوده - تغییر و دگرگونی در زندگی خلیفه و شیوه اداره بیت المال، استفاده از روش زندگی پادشاهی و سلطنتی همچون پادشاهان ایران و قیصر روم از عهد اموی به آغاز شد. در این دوره خزانه بیت المال به صورت ثروت شخصی شاه و دودمان شاهی (خلفای بنی‌امیه) در آمد و کسی نمی‌توانست درباره حساب و کتاب بیت المال از حکومت بازخواست کند، و کسی را یارای امر به معروف و نهی از منکر نبود. حکومت پادشاهی معاویه بدون آن که یادی از سنت و سیره نبوی داشته باشد مقوم حاکمیت سلطنتی دنیاطلبانه‌ای بود که در آن عقیده و پایبندی به آن کاملاً نادیده گرفته شده بود. وقتی این گونه انحرافات بنیادین از سال یازدهم هجری به بعد در جامعه اسلامی شکل می‌گیرد دور از انتظار نیست که رخدادی مثل سانحه عاشورای سال شصت و یک هجری قمری به وقوع بپیوندد. در جامعه‌ای که کارگزار و حکم‌رانش فردی چون معاویه یا یزید باشد، افراد آن جامعه نیز در جهت حذف ارزش‌ها و تعطیل حدود الهی، به دنیا روی می‌آورند و زراندوزی و نادیده گرفتن حق، منس و روش اجتماعی می‌گردد و مردم در مقابل کشته شدن منادی و مدافع ارزش‌های خدایی و حدود الهی نه فقط بی‌تفاوت می‌شوند، بلکه خود برای حذف آن بسیج می‌شوند و برای کشتن او لشکرکشی می‌کنند و پس از کشتن او یارانش به غارت اموال او و خاندانش پرداخته و اهل بیتش را به اسارت می‌برند. لیکن خداوند متعال در این میان ساکت و بی‌تفاوت نمی‌نشیند و با کاروان اسارت عاشورا را زنده و جاویدان می‌سازد و ذلت معاویه و دار و دسته‌اش را در طول تاریخ در نظر آزاد مردان رقم می‌زند و بالاخره این کشتی نجات را به سرمنزل مقصود می‌رساند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایند؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

